

اشغال و الاستریت توسط معترضان بعنوان عامل سر آغاز زوال امپریالیزم ایالات متحده امریکا

قبل از آنکه به توضیح عوامل زیدخل و شرایط مساعد کننده ای زوال امپریالیزم لجام گسسته ایالات متحده امریکا در سخن باز نمایم لازم پنداشته میشود تا عوامل و دلایل سقوط امپراتوری حیلہ گر و مکار بریتانیا را با در نظر داشت اوضاع و احوال آن زمان و خیزشهای خلق های آزادی خواه سرزمینهای تحت استعمار به بحث گیریم تا باشد که در مقایسه با آن دلایل تقریباً مشابه مبنی بر روبه زوال بودن این امپراطوری قرن بیست و یکم را که برای بقای خود از هیچگونه تلاش ها مضایقه نمی نماید معلومات چندی داشته باشیم .

عوامل سقوط امپراتوری بریتانیا: بعد از جنگ جهانی دوم بریتانیا دیگر قادر به

تمویل و پرداخت هزینه و مصارف بود جوی نبوده که بتواند یک بر چهارم از جمعیت جهان تحت سلطه ای خود را غرض حفاظت از سرزمین خود که متشکل از 1/600 ساحه زمین را احتوا مینماید در تحت نفوذ خود داشته باشد مزید بر آن بریتانیا از جنگ جهانی دوم این را کاملاً درک نموده بود که اقوام و ملیتهای مختلف سرزمینهای تحت حاکمیت (همچو کشورهای دیگر امپراتوری اروپایی) او این توانایی را دارند که خود به تشکل حکومت های مستقل خود بپردازند و خویشتن را از قید استعمار برهانند چونکه بریتانیا دیگر نمیتوانست مردمان تحت سلطه خود را به بهانه ها و تذویرهای همچو اینکه این کشورها استعداد دولتمداری و یا حکومت داری را ندارند خاموش و مطیع نگهدارد و آن اینکه جنبش های آزادیبخش در اکثریت کشورهای تحت سلطه امپراطوری بریتانیا نضج گرفته بود در این گوشه و آن گوشه از کشورهای تحت استعمار بریتانیا خیزشهای انقلابی و آزادی خواهی در تحت رهبری رهبران آزادیخواه اغازیده بود که در پرتو آن تعداد بیشتر از این کشورها چه از در سیاسی و مسالمت آمیز در نهاد تحت عنوان کشورهای مشترک المنافع کسب استقلال نمودند و یا اینکه شمار دیگر از این مستعمرات با مبارزه قهرآمیز و قیامهای مسلحانه توانستند انگلیسها را از سرزمینها و شهرستانهای شان برانند و از نعمت آزادی بهره گیرند .

جنگ جهانی دوم از دو سبب باعث سقوط امپراتوری بریتانیا گردید: **اول** : اکثریت ملل تحت سلطه ای بریتانیا مثل مردم هند دیگر تحمل فرمانروایی و برده گی اجنبی یا انگلیس ها را نداشتند و بروی همین اصل مردم نیم قاره هند با استفاده از زمان جنگ دست با دست هم داده و بغرض استرداد سرزمین خود علیه انگلیسها داخل جنگ شدند و آزادی

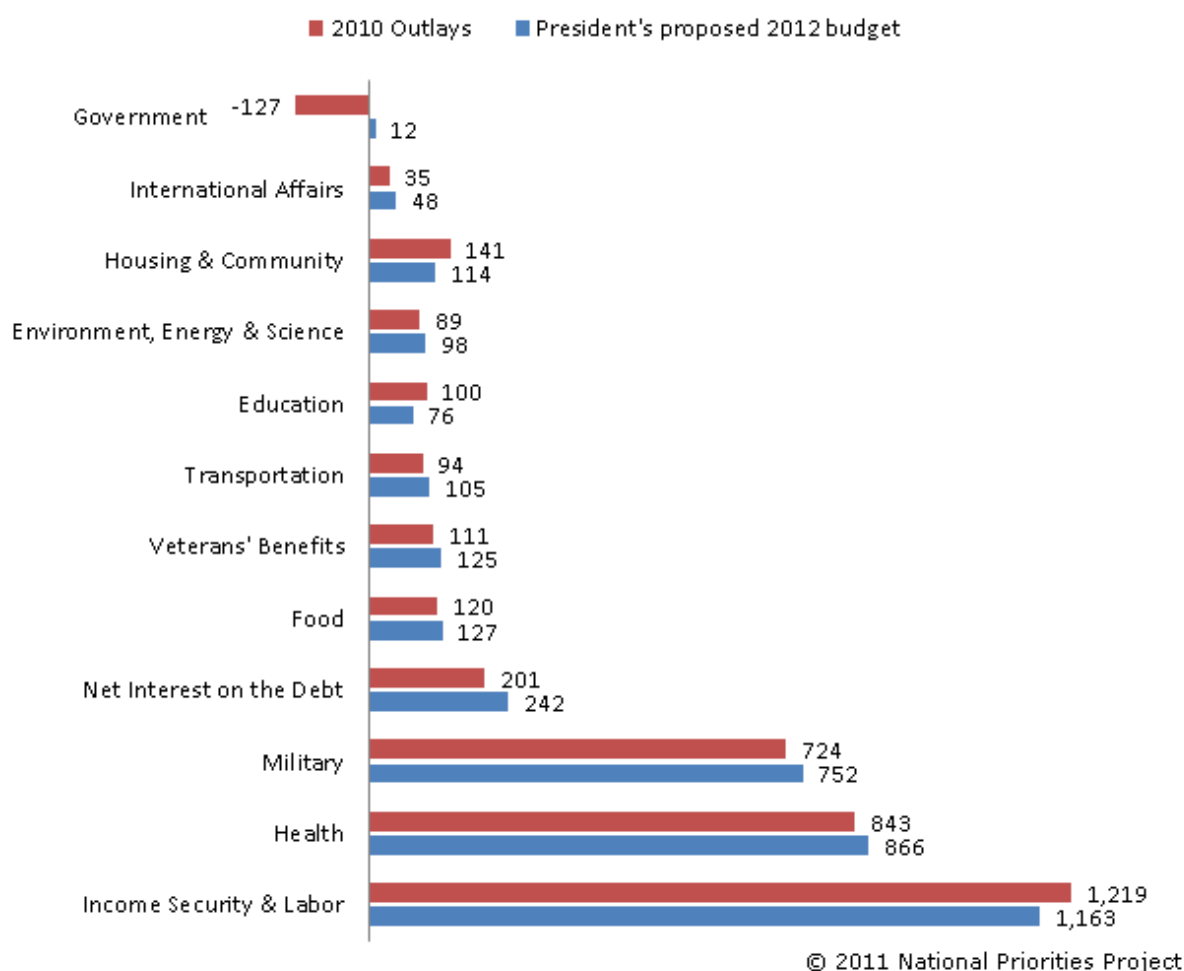
خود را بدست آوردند و از جانبی خسارات وارده به جاپانی ها نیز به نابودی اسطوره قدرت مطلقه ای اروپا پی ها نقطه پایان گذاشت. **دوم:** بریتانیا به نسبت بارگران قروض ایالات متحده امریکا کمر راست کرده نمیتوانست و غیر ممکن بود که برکشورهای تحت استعمار خود با زور و تحکم فرما نروایی نماید و از جانبی دیگر ایالات متحده امریکا در آن زمان در بانک های خود به تجمع و انباشت سرمایه پرداخته بود و مبالغ هنگفتی را ذخیره نموده بود و منتظر ورود به بازار را داشت و بریتانیا به نسبت فروپاسی اقتصادی یکه دامنگیر اوشده بود مجبور گردید که مستعمرات اش را یکی پی دیگری از دست دهد و دروازه ورودی بازار را برخ شرکت های بزرگ امریکا پی بکشاید و جای خود را به امپریالیزم امریکا عوض نماید و خود به شکست کلی و مفتضحانه نایل آید. و از جانب دیگر میتوان گفت که بریتانیا بسا قبل از آغاز جنگ دوم جهانی راه زوال و سقوط خود را میپیماید، و آن اینکه بریتانیا در اوایل قرن بیستم قدرت و توانمندی خود را به نمایش کارتون یک شیر معروف تاجدار (نمای از قدرت و نفوذ بریتانیا) که دندانهای آن شیر به ظاهر برآمده به نظر می آمد و به معنی درنده گی تلقی میشد قرار داده بود که این خود در واقعیت امر بیش از تاسف و شرم ساری برای یک امپراتوری بزرگ جهانی چیزی دیگری بوده نمی توانست و آن اینکه این خود نمایندگی از درنده گی ان امپراطوری مینمود چنانچه انگلیسی های سال خورده و کهنه کار به جزاز دوختن چشم طمع به دریافت غنیمت و سقوط ملتها دیگر هدف و ارمانی نداشتند که با در نظر داشت همین نمای شیر درنده و حرص و آذ انگلیسهای طامع میتوان چنین ادعا کرد که امپراتوری بریتانیا مدتها بسا قبل از جنگ دوم جهانی راه زوال و نابودی خود را می پیماید، آنها از خود راضی و مغرور معلوم میشدند و بر فتوحات و پیروزیهای خود می بالیدند و در نا سیونالیزم خود کامه و منحط انگلیسی خود مبنی بر اینکه بالای دنیا فرمان می رانند و سرحدات خود را در امن قرار داده اند افتخار می ورزیدند و چنان احساس خود خواهی آنها را در خود غرق کرده بود که زوال و سقوط امپراتوری خود را فراموش کرده و بر آن بودند که ممکن تسلط شان بر جهان قرن ها پا برجا خواهد ماند، در پهلوی این دلایل بسا عوامل دیگر را نیز میتوان مبنی بر زوال امپراتوری بریتانیا تذکر داد ولی به نسبت آنکه از موضع مورد نظر عدول نه نموده باشیم از بحث روی این موضوع که از تحمل این نوشته نیز فراتر میباشد صرف نظر نموده و بالای اصل موضوع خود را بیشتر متمرکز میسازیم:

ما در آغاز این مقاله مدعی آن شدیم که اشغال و الاستریت توسط معترضان بعنوان عامل آغازین زوال امپریالیزم امریکا میتواند تلقی شود و آن اینکه این جنبش و اعتراض مردمی انعکاس وضع نا بسامان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (99%) مردم امریکا می باشد که عاملین اصلی ایجاد و فریده گان این وضع (1%) ثروتمندان لجام گسسته پیرو سیستم اقتصادی نیولیبرالیزم و صاحبان شرکتهای غول انحصاری ایالات متحده امریکا و حامیان ملکی و نظامی آنها در قفس سفید و پنتاگون میباشد که تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر

شوروی مردم زحمت کش امریکا را به بهانه ای از نیرومندی و قدرت روز افزون اتحاد جماهیر شوروی میترساند و به تقویه نیروهای تجاوزگر نظامی و ایجاد پایگاه ها و حضور نظامیان امریکایی در سرزمین های دیگران مبادرت می ورزید و هزینه های هنگفتی را در بخش نظامی سرمایه گذاری میکردند و به تقویه ای سکتور نظامی صنعتی مافیای دولتی و شرکت های زیدخل از هیچ گونه تلاش دریغ نمیکردند، اما به مجردیکه اتحاد جماهیر شوروی و پیمان وارسا با در نظر داشت دلایل چند از هم فروپاشید و ایجاب میکرد که پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) از میان برداشته شود و از مصارف بیجا در بخش نظامی خودداری شود و یا در بودجه نظامی ایالات متحده امریکا به نسبت عدم مقابله با کدام نیروی درگیر کاهش بعمل آید هیچ اقدامی صورت نه گرفت بلکه این حامیان سیستم اقتصاد نیولیبرالیزم بدست خود دشمن جدیدی راتحت نام تروریزم خلق و ایجاد نمودند و خود به انهدام برج های دوگانه مرکز تجارتی نیویارک مبادرت ورزیدند تا به بهانه ای اینکه امنیت ملی ایالات متحده امریکا درخطر است به همان راه نادرستی که میرفتند ادامه دادند و نه تنها که مردم امریکارابه پرابلمهای اقتصادی، اجتماعی و معیشتی مواجهه ساختند بلکه بشریت را مواجهه به پرابلم ساختند بیجا نخواهد بود تا درمقیاسه با عوامل اضمحلال امپراتوری بریتانیا عوامل مسببه ای فعلی را که غرض زوال این امپراتوری درحالت نضج گرفتن است در اینجا به تفصیل مورد بحث قرار ندهیم :

از تاریخ زوال اکثریت امپراتوریه اعم از امپراتوری بابیلون ، سنگهای ، مغل ، عثمانی ، ازتیک، گوپتا و بریتانیا چنین میدانیم که این امپراتوری ها زمانی مواجهه به سقوط گردیده اند که سردمداران آنها در بستر غرور و تکبر و افتخارات میان تهی و ناسیونالیزم و بلند پروازی و عیش و عشرت و بی عدالتی و دوری از مردم فرورفته اند و بخاطر تسلط و فرمانروایی شان هزینه های هنگفتی را بغرض تقویه ارود و ارتش بمصرف رسانیده اند که این موضوع را قبلاً در تحت عوامل سقوط امپراتوری بریتانیا یادآور شدیم . همین اکنون پیشوایان سیستم منحن اقتصاد نیولیبرالیزم در تحت عنوان و بهانه ای اینکه مصونیت و امنیت ملی ایالات متحده امریکا در خطر است هر آنچه را که به بغرض ادامه تسلط خود ضرور می پندارند به آن دست میزنند از آنجمله میتوان از (761) پایگاهها نظامی در (39) کشور با تعداد بیش از (300) هزار جنگجو و سربازان بری و بحری ایالات متحده امریکا تذکر داد که سالانه بیش از تریلیونها دالر هزینه در بردارد و یا مصارف هنگفت مالی در جنگ مستمر افغانستان و عراق که طی ده سال سپری شد و هیچ دست اوردی نداشته نه تنها که پرابلم ها را کاهش نداد بلکه سبب فزونی مشکلات گردیده است تا جایکه در زیر بار قروض دولت چین نمیتواند کمر راست کند چنانچه هر دالری را که در بخش سکتور نظامی به مصرف میرساند (44) سنت آن از قروض مردم چین میباشد که این احصایه را خود منابع رسمی ایالات متحده به مدیا فاش نموده است که غیر قابل تکذیب میباشد .

President's 2012 Budget Proposal in Perspective



لذا این امپراتوری که از یک جانب مقروض دولت چین میباشد و از جانبی تقریباً در حدود (1,5-1) تریلیون کسر بودجه دارد و مصارف حداقل جنگ ها در عراق و افغانستان به (1279659625602) \$ میرسد و بودجه ای را که آقای اوباما برای سال مالی ایالات متحده امریکا آنطوریکه در گراف فوق مشاهده مینماید بغرض منظوری به کانگرس پیشکش نموده است، آیا این خود نماینگر آن نیست که اکنون ایالات متحده امریکا در نقش یک دولت پولیسی و ژاندارم بین المللی ایفای وظیفه می نماید؟ لذا با در نظر داشت همین اصل، دیگر برای 99% مردم ایالات متحده امریکا به هیچ وجه قابل تحمل نیست که دوام این وضع و تسلط ثروتمندان (1%) پیروان سیستم اقتصاد نیولیبرالیزم را بپذیرند و روی همین منظور آنچنانیکه خود این معترضین چنین میگویند: ما (99%) باشندگان ایالات متحده امریکا دیگر نمیتوانیم خود را فدای حرص و آز (1%) ثروتمندان بنمایم و به همین سبب دست به تظاهر و اشغال و الستریت زدیم (یادداشت: این گردهمایی اعتراضی در تاریخ (17) سپتمبر سال (2011) در الستریت نیویارک آغاز شد و صرف و اشغال

والستريت بوسيله گروه كانادايي موسوم به نهاد فعالين ادبوستر فونديشن (Adbuster)
فراخوانده شده و صورت گرفته است برخى اين جنبش را با خيزشهاى مردمى بهار
عرب بويژه تجمعات ميدان التحرير و انقلاب (2011) در مصر مقايسه مى نمايند
خواسته و مطالبات اشغال كننده گان والستريت عمدتاً رفع نابرابرى هاى اقتصادى ،
مبارزه با فرهنگ اقتصادى سرمايه دارى و از بين بردن دسترسى و نفوذ دلالان
شركتها و غول هاى پولى در دولت امريكا مى باشد). ما به اين مبارزه مسالمت اميز
خود بخاطر تغير و دگرگونى در ايالات متحده امريكا تا اخيرين رمق حيات خود ادامه
ميدهيم و از هيچ نوع تهديد و شانتاژ طبقه حاكمه ايالات متحده امريكا هراس را به دل
جا نميدهيم، مبارزه ما برحق است زيرا كه خواست (99%) مردم زحمت كش امريكا
ميباشد . -----

رفرنسها :

* (answer.com) What caused the fall of the British Empire.

*Washington rules and our path to permanent war (information clearing house)

*wikipedia

پايان ---- با درورها